

تو خونه ی قلقلی، به باغچه بود

تو خونه ی قلقلی، به باغچه بود



تو خونه ی قلقلی، به باغچه بود
 باغچه قشنگ بود و پر از غنچه بود
 درختی داشت، درخت چی؟ آلبالو
 زیرش نشسته قلقلی، احمالو
 گنجشك ناز و کوچيك و مهربون
 روی درخته، ساخته بود آشیون
 گنجشكه تا قلقلی رو می بینه
 می آد پایین، کنار اون می شینه
 داد می زنه می گه آهای قلقلی
 چیزی شده؟ پیش اومده مشکلی؟
 برای چی اینجا نشستى احمو
 از هر چیزی ناراحتى زود بگو
 دوست ندارم که باشى تو ناراحت
 زود باش بگو ديگه ندارم طاقت
 قلقلی گفت: گنجشك ناز و قشنگ
 دنیای ما قشنگه و رنگارنگ
 به وقت زمین پر گل، هر جا گرما
 به وقت زمین برفی، سوز و سرما
 دنیای ما با این همه قشنگی
 هر فصل سال داره به آب و رنگی
 اما نمى دونم من اسم فصل ها
 با ماههای فصل های خوب و زیبا
 قلقلی گفت: گنجشك مهربونم
 فصل های سال رو میگی تا بدونم
 گنجشكه گفت البته قلقلی جون
 همراه من بخون تو شاد و خندون
 وقتی زمین سرسبز و پر گل می شه
 هر جا پر از صدای بلبل می شه
 یعنی که اومده بازم دوباره
 فصل خوبی که اسم اون بهاره
 حالا بگو با من سریع، مثل باد
 فروردین و اردیبهشت و خرداد
 ماه های خوب و خوشگل بهاری
 بگو بهار، عجب صفائی دارى
 با من بخون بازم تو شاد و خندون
 بعد از بهار شد نوبت تابستون
 هوا می شه گرم و درختا خرم
 ماه های این فصل رو برایت بگم
 تیر و مرداد و بعد از اون شهریور
 خورشید خانم به هر جا می کشه سر
 تو دست خورشید خانوم و خاك و آب
 درختا پر میوه می شنند و شاداب
 به به ازاین شادابی و قشنگی

هر فصل سال داره یه آب و رنگی
وقتی می شه نوبت فصل پاییز
باد می چینه برگهای کوچک و ریز
درختای خوب و قشنگ و شاداب
یواش و آروم می روند، توی خواب
نارنجی و زرد می شه رنگ برگها
می پوشوند روی زمین رو زیبا
ماههای اون مهر و آبان و آذر
باد پاییز به هر جا می کشه سر
بعد از پاییز می آد دیگه زمستون
سرما و برف هر جایی می شه مهمون
ماه های اون، دی و بهمن و اسفند
قلقلی، برف بازی کن و شاد بخند
بین درختا همه توی خوابند
بهار بیاد دوباره باز شادابند
پس تو بگو حالا با من يك صدا
قشنگه هر چار فصل خوب خدا
گنجشکه گفت: آهای آهای قلقلی
چاره داره این، نباشه مشکلی
نویسنده: ثریا قائدی